

نگرش فلسفی - فقهی کلان به مقوله سلامت

معنوی از منظر اسلام^۱

نویسنده: علیرضا اعرافی: رییس حوزه علمیه کل کشور

چکیده:

زمینه و هدف: برای ارائه نظریه جامع و کامل معنویت اسلامی چندین شاخه از علوم اسلامی باید در کنار همدیگر قرار بگیرند و منظومه‌ای را تشکیل دهند. در نظریه کلان اسلامی، معنویت مفهومی متعین، تعریف شده و امری عقلانی، فلسفی و مبتنی بر استدلال و کاملاً واضح است و مقصود معنویت عاطفی نیست.

یافته‌ها: بر اساس سایر شاخص‌ها سلامت معنوی دارای ابعاد ماورائی درونی (درون‌نگرا) و لایه‌های بیرونی است، هم ساحتی از ساحت بشری است و هم فراساحتی (ترکیبی) است، جامع، شامل و نظام‌واره است، متوازن با سایر ساحت‌ها است، دارای تجلیات درونی و بیرونی است، جلوه‌گری آن در قلب شعائر اسلامی است، دارای مراتب و از امور اکتسابی و اختیاری است. نتیجه‌گیری: در این گفتار علاوه بر معرفی ده شاخص فوق از مؤلفه‌های سلامت معنوی، تحلیلی راجع به آسیب‌های معنویت‌گرایی متناظر آنها نیز اشاره شده است.

مقدمه:

اسلام در باب معنویت وجود دارد. شایسته است تلاش گردد بین مقوله سلامت معنوی با همان تعاریف، مفاهیم، ابزارهای علمی تبیین و توصیف و اندازه‌گیری و مناهج و شیوه‌ها و متدولوژی مطرح شده و مقوله فلسفه معنویت از دیدگاه اسلام یا نظریه معنویت از نگاه اسلامی ارتباطی برقرار گردد. برای ارائه نظریه معنویت اسلام، ۳-۴ شاخه اصلی در علوم اسلامی باید در کنار هم قرار گرفته، یک منظومه کامل شکل گیرد:

- بخش مباحث کلامی - فلسفی
- بخش نگاه فقهی - حقوقی
- بخش نگاه اخلاقی - ارزشی
- بخش نگاه تاریخی - تمدنی

اگر بخواهیم به نظریه اسلام در باب سلامت معنوی دسترسی پیدا کنیم، حداقل از ۴ زاویه دید باید به معنویت توجه و در نهایت به یک نظریه کلان، منسجم، نظام‌وار و هماهنگ با اندیشه‌های اسلامی دست یابیم. این منظومه فکری متشکل از ۴ زاویه دید باید شکل گیرد. وظیفه حوزه علمیه تامین این نظریه است.

برخی از مبانی، اصول، ضوابط، مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریه کلان معنویت در اسلام

اولین شاخص نظریه کلان معنویت در اسلام که یک نکته کلان و بسیار کلی است و به شکلی در بخش‌هایی هم خود را نشان می‌دهد، اینکه در نگاه ادیان توحیدی و به خصوص اسلام و به ویژه در نگاه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، معنویت امری متعین، مشخص، تعریف شده و کاملاً واضح است. یک بار معنایش این است که احساس تعلق به یک عالم غیبی، قدسی و ماورایی که احیاناً در ماورای انسان هم نیست در ذات انسان است. در این

اگر کسی قائل شد به اینکه انسان دارای گرایش‌های متعالی تر از سطوح عالی است. تأمین آنها با همان تعبیر مبهمی که الان وجود دارد یک ضرورت است. تأمین نیازها و پاسخ به تقاضاهای وجودی آدمی در یک منظومه حساب شده و حکیمانه؛ تأمین سلامت می‌کند. بشر در فراز و فرودهای زندگی هیچ‌گاه نمی‌تواند یک گرایش قدسی و متعالی را به طور کامل از درون خویش محو کند. اصل این نیاز به شکل مجمل و مبهم تقریباً مورد قبول همگانی است. در تمدن غربی فراز و فرودهایی نسبت به این گرایش معنوی موجود بوده و طبعاً نوسان داشته و در مکاتب و شدت و ضعف آن در اندیشه‌های مختلف متفاوت است. اصل این قصه را شاید نشود کنار گذاشت و توجه بزرگان حوزه علوم پزشکی و روانشناختی و علوم اجتماعی به این مسئله نشان دهنده این است که واقعیتی در ورای همه زرق و برق‌های شکلی و سطحی و ظاهری وجود دارد. این حس متعالی و نیاز قدسی مفروض همه این بحث‌هاست که اگر آن را بپذیریم سلامت معنوی و مقوله‌های مشابه آن موضوعیت پیدا می‌کند.

یافته‌ها:

در تئوری‌ها و بحث‌های علمی، معنویت یک واژه اساسی و کلیدی است. فلسفه معنویت به یک دیسیپلین میان‌رشته‌ای تبدیل شده و یا حداقل در آستانه شکل‌گیری چنین رشته و دیسیپلینی هستیم. فلسفه معنویت در حوزه سلامت، با عنوان سلامت معنوی، مصداق بزرگی از آن گرایش موصوف عام قدسی متعالی بشر است.

معنویت از نگاه قرآن و احادیث اسلامی:

اسلام در حوزه معنویت دارای نظریه است. یک نظریه کلان در

۱. این مقاله از سخنرانی آیت‌الله علیرضا اعرافی در اختتامیه چهارمین همایش سلامت معنوی در اسفندماه ۱۳۹۵ در شهر قم انتخاب و با مسئولیت معاونت علمی فرهنگستان علوم پزشکی تنظیم و ویراستاری شده است.

نگاه عناصر و ویژگی‌ها تعیین شده است، ابهام و تاریکی وجود ندارد. معنویت در نگاه اسلام و قرآن و حدیث نظام وار، تعریف شده، متعین و به اصطلاح فلسفی مشخص است.

دومین شاخص نظریه کلان معنویت در اسلام: در این اندیشه و در این نظریه کلان، معنویت امر عقلانی، فلسفی و مبتنی بر مبانی اعتقادی و استدلالی است. به عبارت دیگر معنویت عاطفی مقصود نیست. در معنویت عاطفی، گرایش‌های احساسی و عاطفی به امور ماورائی و قدسی وجه غالب را تشکیل می‌دهد. شاخه‌هایی از الهیات غرب به این سمت سوق پیدا کرده که دلیل آن، مشکلات جدی است که در حوزه‌های فلسفی برایشان رخ داده است. اما معنویت اسلام بر یک نگاه استدلالی فلسفی و عقلانی مبتنی است. **سومین شاخص** نظریه کلان معنویت در اسلام: معنویت به اجزاء درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. معنویت ماورائی درون آدمی، یعنی حسی متعالی که در لایه‌های درون آدمی وجود دارد ولی بیرون آن خبری نیست. این یک نوع معنویت است، معنویت درون‌گرا و ناظر به آن لایه‌های درونی در وجود آدمی و ماوراء آن خبری نیست. معنویت اسلامی، هم ناظر به لایه‌های درونی و هم لایه‌های بیرونی است. سطوح تودرتو و پیچیده جهان درون که در عرفان ما به زیبایی تصویر شده، در عین حال این جهان درون وصل به یک جهان برون و نیروی بزرگ و قدسی و غیبی است و منحصرأ درونی نیست. نظریه معنویت اسلام درونی-بیرونی است، هم به درون نگاه می‌کند، هم قدس را و غیب را در خداوند و معاد و جهان دیگری فراتر از این عالم تفسیر می‌کند. پس تنها درونی نیست و بیرونی هم هست و بخش بیرونی آن هم به شکل نظریه توحیدی است.

چهارمین شاخص: جامعیت و شمول معنویت در اندیشه‌ی اسلامی است. به عبارت دیگر دو گونه می‌شود معنویت را تفسیر کرد، یکبار اینکه معنویت را ساحتی می‌دانیم، در عرض ساحت‌های دیگر، در کنار ساحت‌های دیگر وجود آدمی، این یک تفسیر است که در جای خودش درست است، یک نوع گرایش متعالی در وجود انسان است و در کنار گرایش‌های دیگر قرار می‌گیرد. اما یک نظریه ترکیبی و فراتر از این هم داریم. می‌گوییم معنویت هم یک ساحت است هم در عین حال یک مقوله به اصطلاح اصولی-فلسفی و یک مقوله‌ی مقسمی و فرا ساحتی. در نظریه ترکیبی، معنویت به یک معنا، مولفه و عنصری در جدول شخصیت، یک خانه در جدول شخصیت، و به یک معنا یا تعبیر، روحی است که در همه این خانه‌ها دمیده می‌شود و با همه آنها در ارتباط و اتصال است. این جامعیت و شمولیت، چهارمین شاخص است.

پنجمین شاخص نظریه کلان معنویت در اسلام: اینکه این نظریه‌ای که جامع و شامل هم هست و بر عرصه‌های مختلف هم پرتو می‌افکند و نظام وار هم هست. یک قوطی در هم ریخته نیست که کالاهای پراکنده‌ای در آن ریخته شده باشد، بلکه این اندیشه بر این نظام وارگی مبتنی است. این نظام وارگی درون انسان قرار دارد و اسلام هم بر اساس همین نظام وارگی شخصیت، نظریه معنویتش را منسجم ارائه کرده است.

ششمین شاخص نظریه کلان معنویت در اسلام: توازن معنویت در سایر ساحت‌ها است، در یک اندیشه متعادل در یک نظریه منسجم و در عین حال متوازن. در حقیقت سلامت فردی، سلامت روانی، سلامت جسمی- روانی اجتماعی یا سایر ابعادی که تا ۱۰ فصلنامه ارتقای سلامت

مورد هم گاهی بر می‌شمرند، ولی مشهورش همین ۴ بعد است. در اندیشه اسلامی و نظریه‌ی معنویت اسلام، آن بخش سلامت معنوی، کاملاً متوازن با سایر بخش‌ها و نیازها تنظیم شده، به عنوان مثال در ابواب عبادی اسلام، موضوع عزلت در نهج البلاغه با تندی نفی شده است. یکی دو سند نیست، با اسناد معتبر، چندین امام و معصوم با تندی جلوی اینکه کسی همه زندگیش بشود یک کار عبادی معنوی و از این قبیل، می‌ایستند و گاهی پرخاش می‌کنند. اینکه فردی به بهانه عبادت، کار را کنار بگذارد، زندگی خانوادگی را کنار بگذارد، پاسخ به آن نیازهای طبیعی را نفی کند، به کلی مردود است. این دیدگاه اسلامی ریشه دارد در چندین متن و سند محکم. این نمونه و نمونه‌هایی از این قبیل حکایت دارد از این که معنویت در اندیشه اسلامی، در جایی قرار می‌گیرد که روح بر آن پرتو می‌افکند و متوازن با همه ابعاد دیگر است و هیچ وقت در حالت افراط و نامتوازن قرار نمی‌گیرد.

هفتمین شاخص نظریه کلان معنویت در اسلام: تجلیات درونی و بیرونی معنویت است. به عبارت دیگر بر اساس همان جامعیتی که ذکر شد، معنویت یکبار در باورها منعکس می‌شود، باورهای شخص با استدلالات یک رنگ دیگری پیدا می‌کند و به او یک آرامش و اطمینانی می‌دهد. یکبار هم در شخصیت اخلاقی متجلی می‌شود که به اوصاف و ویژگی‌های انسان خط می‌دهد و یک جهت متعالی می‌بخشد، یکبار هم در رفتارها و کنش‌ها تجلی می‌کند. به طور خاص در یک منظومه ویژه عبادی جلوه‌گری ویژه دارد. بنابراین معنویت یک جلوه‌گری عام دارد، در همه‌ی ساحت‌های باور و منش و شخصیت و اخلاق و رفتار و کنش‌های انسان و یک جلوه‌گری ویژه و رخ‌نمایی دارد در قالب یک سلسله عبارت‌های تعریف شده.

هشتمین شاخص نظریه کلان معنویت در اسلام: جلوه‌گری معنویت در قلب شعائر اسلامی است. شعائر و مناسک عبادی در اسلام یکی از وجوه ممیزه نظام عبادی اسلام و معنویت اسلامی است. این معنویت یک جلوه‌گری خاصی در قالب شعائر دارد. از تجلیات خاص عبادات و اذکار، ادعیه و زیارات، روح معنوی آنها است.

نهمین و دهمین شاخص نظریه کلان معنویت در اسلام: مراتب معنویت و اختیاری و اکتسابی بودن آن است. معنویت دارای مراتب است، یک جوشش طبیعی و ذاتی دارد ولی جهت‌گیریهای آن کاملاً اختیاری است. کاهش یا افزایش و شکل دهی به آن حس معنوی، امری اختیاری است و دارای مراتب است.

آسیب‌های معنویت‌گرایی

متناظر با همین حدود و عناوین مذکور در بالا، در حقیقت معنویت‌گرایی می‌تواند آسیب‌هایی هم داشته باشد. در لحن ایجابی ده شاخص توصیف شد. اگر بخواهیم لحن سلبی را وصف نماییم، در واقع هریک از آنها ناظر به آسیبی است که معنویت را تهدید می‌کند. معتقدیم معنویت‌گرایی که در غرب وجود دارد به بخشی از این آسیب‌ها مبتلا است. یکی از جهات معنویت‌گرایی عاطفی بودن محض است. معنویت‌گرایی که برپایه‌های اصلی استوار نشود، یک امر عاطفی است. معالجه‌سوری را می‌تواند انجام دهد و گره‌ای از گره‌ها را باز کند، اما معالجه اصلی و اساسی را نمی‌تواند بکند. اگر درمانگر از نظر استدلالی پایه‌های متقن و محکمی نداشته باشد، آن وقت به سمت خرافات هم حتماً خواهد رفت.

احيانا يك دليل گرايش هاي سكو لاريستي، گرايشهاي افراطي و تاجر گرايانه در معنويت است.

مقوله معنويت با هر دو نوع آسيب از دو سو مواجه است. معنويت در اندیشه اسلامي تنها به معنای فلسفي آن نيست، سكو لاريستي، افراطي، تاجر گرا، اجتماع گريز و نا متوازن با ساحت هاي ديگر وجودي نيست، بلكه همه آن ها را هم در نظر مي گيرد، در واقع در يك نقطه تعادل قرار دارد. از آسيب هاي معنويت غير جامع بودن آن است.

آسيب هاي اخلاقي و رفتاري تهديد كننده سلامت شخصيت آدمي در معرض يك سلسله آسيبهاي اخلاقي و رفتاري است. آسيبهاي مثل امال و آرزو هاي بي پايان عرصه هاي مبهم، مصيبت ها و بلاهائي كه بر آدم وارد مي شود، غضب و خشمي كه در درون آدمها هر از چند گاهي برمي خيزد و در نگاه جزئي تر، حسادت و كبر و سلسله اي از آسيب هاي روحي وجود دارد. معالجه اينها با آن ذكر و دعا و معنويت يك داستاني زيبا است. ما درونمان مواجه با يك سلسله آسيب هاي اخلاقي يا به تعبير علمای اخلاق رذائل اخلاقي هستيم. اين رذائل را با معنويت مي شود معالجه كرد و اين گامي به سمت سلامت معنوي است. البته سلامت معنوي فرا تر از معالجه اينهاست ولي اين مرتبه، پايه اي است كه بايد حتما به آن توجه كرد.

نتيجه گيري:

آن سلامت كاملي كه اسلام به آن توجه دارد، همه هستي را در نظر گرفته يعني عالم غيب و خدا و حركت انسان به آن جهان و زندگي آرام و مطمئن اين دنيا. به عبارت ديگر دنياي اطمينان قلبي است و بدون آن نقشه كلان جامع، بشر به سوي سعادت حركت نمي كند. اگر بخواهيم اسلامي بينديشيم و در حقيقت آن نظام اخلاقي اسلام را مورد توجه و مورد مطالعه قرار بدهيم و از آن در راستاي نيل به معنويت و سلامت معنوي دست يابيم، يك نقشه راهي لازم

است. از مؤلفه هاي اين نقشه راه بازشناسي عناصر مخرب سلامت كه مانع سلامت آدمي در همه ساحت ها مي شود، خواهد بود. اين نظام وارگي تحقيقات ناظر به آسيب هاي شخصيت اقتضاء مي نمايد تا با كار بست علوم انساني و اسلامي بر يك پايه درست، انسان و رذائل انساني شناسايي و انبوهي از تحقيقات تحول آفرين انجام شود. هم بايد آن تحقيقات كهن و سنتي را عمق دهيم و به تمام معنا از آنها صيانت بشود و در فضاي اجتهادي ما به همان روشي اصيل پيش برويم و براي ورود به عرصه ها و پاسخگويي به نيازها و اقتضائات جديد، هم بايد در كنار دانشگاه باشيم. در پرتو تحقيقات علمي با تعامل و گفت و گوي عالمانه و تحقيق مشترك، مي شود به اين نكات رسيد و قله ها را فتح كرد.

تقدير و تشكر:

از زحمات تامي كاركنان فرهنگستان علوم پزشكي از جمله اعضاي گروه علمي سلامت معنوي، دبير همایش سلامت معنوي و اعضاي روابط عمومي و ارتباطات بين الملل تشكر و قدرداني مي شود.

منابع:

- ۱- ابراهيمي ديناني- غلامحسين: عقلانيت و معنويت در اسلام. نشریه ادیان و عرفان، هفت آسمان، زمستان ۱۳۸۲ - شماره ۲۰ - (۲۲ صفحه - از ۹ تا ۳۰)
- ۲- مصباح- علي: واكاي مفهوم معنويت و معنا: فصلنامه اخلاق پزشكي، سال ۴، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۹
- ۳- صادقي هادي: تبیین چيستی معنويت. مركز الگوي اسلامي ايراني پيشرفت، انديشكده معنويت، ۱۳۹۲. <http://olgouir>
- ۴- نيك اقبال- مصطفي: احاديث معنوي: يكصد و ده چهل حديث از روايات معنوي. انتشارات ملاگلي- قم. ۱۳۹۵
- ۵- اسماعيلي- مصطفي، فاني - مهدي، و كرمخاني- مرضيه: ساختار مفهومي سلامت معنوي در منابع اسلامي (قرآن و نهج البلاغه). مجله پژوهش در دين و سلامت، دوره ۳، شماره ۱، ۱۳۹۵

Abstract:

Background and objectives:

Formation of a comprehensive and exhaustive theory of spiritual health demands convergence and collaboration amongst several disciplines of Islamic theology and formation of an interdisciplinary collaboration. In macro-level Islamic theory, spirituality is a clearly-defined and well-documented concept formed on a solid philosophical and logical foundation based on deduction and clear reasoning which is quite different from emotional spirituality.

Results:

According to different definitions based on a wide range of criteria, spiritual health is comprised of metaphysical, mental, and social dimensions and is both humane and supernatural (multi-dimensional). Spiritual health is comprehensive, inclusive, and well-structured, and is considered as in line with other dimensions of humanity with both internal and external presentations. It is noteworthy, however, that its presentation and embodiment which is integral to Islamic culture, has different levels and layers, and is considered as an acquired and voluntary accomplishment attainable by free will.

Conclusion:

In this essay, besides introduction of ten criteria of the abovementioned indicators of spiritual health, an analysis of the plights of spiritualism-related perils is also discussed.

Key words:

Health, Spirituality, Spiritual Health, Theology, Philosophy, Medicine, Islam